

آزادسازی جهان از سلطه شیطان

انقلاب اسلامی ایران، آغاز افول آمریکا

پاییز ۱۳۴۳ که از راه رسید، رژیم پهلوی در اقدامی که نشانه دیگری از سرسپردگی به دولت آمریکا به حساب می‌آمد، قانونی را از تصویب گذراند که به نظامیان آمریکایی در برابر انجام هر اقدام و جنایت در ایران، مصونیت قضایی می‌بخشید. «در مجلس شورای ملی و مجلس سنای آن روز تصویب کردند که مأمورین آمریکائی از دادگاه‌های ایران و امکانات قضائی و امنیتی ایران معافند. یعنی اگر فرض کنید یکی از این مأمورین جرم بزرگی در ایران مرتکب شود، دادگاه‌های ما حق ندارند او را به دادگاه بطلبند و محاکمه کنند و محکوم کنند؛ این اسمش کاپیتولاسیون است.» ۱۳۸۹/۸/۱۲ اما چهارم آبان‌ماه امام خمینی(ره) علیه این قانون استعماری سخنرانی کردند و پس از آن نیز در بیانیه‌ای کاپیتولاسیون را سند بردگی ملت ایران خواندند. در روزگاری که پهلوی دوم حکومتش را تماماً وامدار آمریکا بود، کشور در چنگال سیطره همه‌جانبه آمریکا قرارداشت و هزاران مستشار در بخش‌های مختلف نظامی و امنیتی مستقر بودند، اعتراض امام خمینی حرکتی بسیار شجاعانه بود که آمریکایی‌ها را به شدت خشمگین کرد و منجر به تبعید امام به ترکیه در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ شد. با استمرار مبارزه استقلال‌طلبانه مردم و پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷، آمریکایی‌ها که روزگاری دولت قانونی مصدق را برکنار می‌کردند و روزی دیگر با سرازیر کردن مستشاران نظامی، منابع و ثروت ایران را در راستای تثبیت سیطره خود بر منطقه غرب آسیا می‌خواستند، معادلاتشان برهم خورد.

در سال‌های ابتدایی انقلاب وقتی توطئه‌های آمریکا برای مقابله با انقلاب ملت ایران و ایجاد اختلال در کشور ادامه یافت، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، لانه جاسوسی آمریکا را تسخیر و دست نفوذ مستقیم استکبار در کشور را برای همیشه قطع کردند. اقدام دانشجویان از سوی امام انقلاب دوم نام گرفت و بار دیگر هیمنه ابرقدرتی آمریکا در جهان شکسته شد. آن روزها کمتر کسی شاید فکر می‌کرد که الگوی انقلاب مردم ایران در کوتاه کردن دست آمریکا از کشورشان، از سوی سایر ملت‌ها تکثیر شود و استقلال‌خواهی و مبارزات ضدآمریکایی در اقصی نقاط جهان امتداد پیدا کند.

افول آمریکا حتمی است

سؤال مهم این است که در امتداد این بیداری ملتها، شرایط جهان به چه شکل رقم خورده و دنیا به کدام سمت حرکت می‌کند؟ آیا آمریکا سقوط خواهد کرد؟ اندیشمندان جهان می‌گویند افول آمریکا حتمی است، اما سؤال واقعی آنها این است که آیا می‌توان راهی پیدا کرد که هنگام سقوط آمریکا، کمترین آسیب به جهان وارد شود؟

در حوادث دنیای امروز نشانه‌های متعددی بر افول آمریکا و شکل‌گیری یک هندسه جدیدی در جهان وجود دارد. این نظم جدید ویژگی‌هایی دارد: «مطمئناً» این خطوط اساسی در این نظم جدید هست. خط اساسی اول عبارت است از انزوای آمریکا؛ آمریکا در نظم جدید جهانی منزوی خواهد بود... آمریکا مجبور می‌شود دست و پایش را از جهان جمع کند. خط اساسی دوم؛ انتقال قدرت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و حتی علمی، از غرب به آسیا... آسیا خواهد شد مرکز دانش، مرکز اقتصاد، مرکز قدرت سیاسی، مرکز قدرت نظامی؛ ما در آسیا ایم... خط اساسی سوم؛ فکر مقاومت و جبهه مقاومت در مقابل زورگویی گسترش خواهد یافت، که مبتکرش جمهوری اسلامی است.» ۱۴۰۱/۸/۱۱

گسترش جبهه و منطق مقاومت

در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی، شکل‌گیری رسانه‌های مستقل و روشنگری درباره دست‌اندازی آمریکایی‌ها در نقاط مختلف جهان به بهانه‌های توخالی از جمله مبارزه با تروریسم در افغانستان، از بین بردن تسلیحات کشتار جمعی در عراق و...، تولید ادبیات ظلم‌ستیز توسط نخبگان علمی و فرهنگی، احیای عزت اسلامی، بیداری کشورهای اسلامی، اتحاد کشورهای مستقل، شکل‌گیری محور مقاومت، روز به روز هیمنه پوشالی آمریکا را تضعیف و تصویر ابرقدرتی آمریکا را در چشم مردم دنیا، ذره ذره کوچک‌تر کرد، به گونه‌ای که «امروز بدون استثنا، در هر نقطه‌ای از دنیا که یک ملت قیام کند، حرکت کند علیه مستبدی، علیه دولتی، علیه حکومتی، شعارش «مرگ بر آمریکا» است.» ۱۳۹۵/۸/۱۲

بدون شک «این روحیه مقاومت در مقابل زورگویی و قدرت‌طلبی و سلطه‌طلبی قدرت‌های سلطه‌گر را جمهوری اسلامی به وجود آورد. اول کسی که در دنیا گفت «نه شرقی و نه غربی» امام بزرگوار ما بود... امروز در منطقه ما خیلی‌ها هستند که خودشان را وابسته به جبهه مقاومت می‌دانند، اهل مقاومتند، معتقد به مقاومتند و مقاومت هم می‌کنند و در موارد بسیاری نتیجه هم می‌گیرند.» ۱۴۰۱/۸/۱۱

امروز قدرت نرم‌افزاری آمریکا به شدت تضعیف شده و محاسبات‌شان در سوریه و عراق و لبنان و در حمایت از عربستان در جنگ یمن با شکست مواجه شده و با وجود صرف هزینه‌های گزاف، عایدی قابل توجهی به دست نیاورده‌اند.

آمریکای منزوی در نظم جدید جهانی

چهار دهه قبل و «بعد از خراب شدن دیوار برلین و از بین رفتن دستگاہ مارکسیستی دنیا و حکومت‌های سوسیالیستی، بوش گفت امروز دنیا، دنیای نظم نوین جهانی، نظم تک‌قطبی آمریکا است؛ یعنی آمریکا در رأس دنیا قرار دارد. او البته اشتباه می‌کرد؛ بد فهمیده بود. از همان بیست سال قبل، بیست و چند سال قبل تا امروز روزبه‌روز آمریکا ضعیف‌تر شده.» ۱۴۰۱/۲/۶ شکست‌های داخلی نظام سیاسی حکمرانی آمریکا، افول انتظام اجتماعی، انحطاط مدنی، فقدان عدالت اجتماعی، نابود شدن خانواده، فساد اخلاقی فراگیر، فرسودگی کامل قدرت نرم آمریکا، سیاست‌های متناقض در مسائل مهم جهان مثل محیط‌زیست، خروج از پیمان‌های بین‌المللی، بدعهدی و دشمنی با کشورهای هم‌پیمان، سرکار آمدن رؤسای جمهوری مثل ترامپ و یا بایدن معلوم‌الحال، حمله طرفداران ترامپ به کنگره آمریکا، همه و همه نشان‌دهنده آن است که ابرقدرتی ایالات متحده آمریکا به سر آمده است. این نشانه‌های واضح حتی نظریه‌پردازان پایان تاریخ با غلبه لیبرال دموکراسی به‌عنوان بهترین نظام سیاسی جهان، را از گفته‌های خود بازگردانده و امروز می‌گویند که «دیگر فکر نمی‌کنند جهت تاریخ هنوز هم به سمت لیبرال دموکراسی باشد. دموکراسی بسیار شکننده است.»

انتقال قدرت سیاسی، اقتصادی،

فرهنگی و علمی، از غرب به آسیا

جامعه‌شناسان شناخته‌شده آمریکایی به‌صراحت تأکید می‌کنند که آمریکا در مسیر سقوط قرار گرفته و افول این کشور امری حتمی و اجتناب‌ناپذیر است. از زمان جنگ ویتنام تا حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، از سرعت روند و توسعه اقتصادی آمریکا کاسته شده و این کشور، اعتبار و آبروی تبلیغاتی خود را از دست داده است.

واشنگتن نه تنها رقبای دیرین خود مانند روسیه و چین را به چالش نمی‌کشد، بلکه متحدان خود را نیز می‌آزارد. فرانسه و آلمان از تشکیل ارتش مستقل اروپا سخن می‌گویند. هند و پاکستان با اشتیاق به پیمان‌های جدید مانند شانگهای می‌پیوندند. پکن و ده‌لنو به‌عنوان

رقبای سنتی به یکدیگر نزدیک میشوند. بلوک اقتصادی غول‌آسایی مانند «بریکس» ایجاد می‌شود. با گذشت زمان و آشکار شدن بیشتر ضعف‌های داخلی آمریکا و انباشت بحران‌های داخلی، التهاب در سیاست‌های خارجی آمریکا به صورت سلسله‌وار نمایان خواهد شد و «آمریکا مجبور می‌شود دست و پایش را از جهان جمع کند. الان آمریکایی‌ها در بسیاری از مناطق دنیا پایگاه دارند؛ در منطقه ما، در اروپا، در آسیا، پایگاه‌های نظامی با جمعیت‌های زیاد، پولش را هم از خود آن کشور بیچاره‌ای که در آنجا پایگاه هست می‌گیرند؛ هزینه‌هایش را او باید تأمین کند و آمریکایی‌ها بخورند و آقایی کنند! این دیگر تمام می‌شود؛ دست و پای آمریکا از حضور در سراسر جهان جمع خواهد شد.»

۱۴۰۱/۸/۱۱

جایگاه ایران در نظم جدید عالم

سخن پایانی اینکه در شرایطی که نظم جهانی در حال تغییر و آرایش منطقه‌ای و بین‌المللی جدیدی در حال شکل‌گیری است و شعار مرگ بر آمریکا در حال تحقق است، باید وظیفه خود را بشناسیم و جایگاه شایسته ایران را در این نظم جدید محقق کنیم و به این سؤالات فکر کنیم که «در این دنیای جدید ایران چه کاره است؟ ایران کجا قرار می‌گیرد؟ جایگاه کشور عزیز ما کجا است؟ این، آن چیزی است که باید شما روی آن فکر کنید؛ این، آن چیزی است که باید شما خودتان را برایش آماده کنید؛ این آن چیزی است که جوان ایرانی می‌تواند انجام بدهد. ما می‌توانیم در این نظم جدید یک جایگاه برجسته‌ای داشته باشیم.»

۱۴۰۱/۸/۱۱

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای